

## قسمت چهارم: در وصایا و ارث

### باب اول: در وصایا

ماده ۹۴۸ - هرگاه درمورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹ - در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می برد فصل اول: در کلیات

ماده ۸۲۵ - وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهده.

ماده ۸۲۶ - وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. وصیت عهده عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می نماید. وصیت کننده موصی، کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است موصی له، مورد وصیت موصی به، کسی که به موجب وصیت عهده، ولی برمورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می شود وصی نامیده می شود.

ماده ۸۲۷ - تملیک به موجب وصیت محقق نمی شود مگر با قبول موصی له پس از فوت موصی.

ماده ۸۲۸ - هرگاه موصی له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقرا یا امور عام المنفعه شود قبول شرط نیست.

ماده ۸۲۹ - قبول موصی له قبل از فوت موصی مؤثر نیست و موصی می تواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتی که موصی له موصی به را قبض کرده باشد.

ماده ۸۳۰ - نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت می تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمی تواند آن را رد کند لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.

ماده ۸۳۱ - اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت باولی خواهد بود.

ماده ۸۳۲ - موصی له می تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می شود.

ماده ۸۳۳ - ورثه موصی نمی تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است. اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور می کند که تصمیم خود را معین نماید.

ماده ۸۳۴ - در وصیت عهدی، قبول شرط نیست لیکن وصی می تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد از آن حق رد ندارد اگر چه جاهل بر وصایت بوده باشد.

#### فصل دوم: در موصی

ماده ۸۳۵ - موصی باید نسبت به مورد وصیت، جایز التصرف باشد.

ماده ۸۳۶ - هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به موت نشد وصیت نافذ خواهد بود.

ماده ۸۳۷ - اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست.

ماده ۸۳۸ - موصی می تواند از وصیت خود رجوع کند.

ماده ۸۳۹ - اگر موصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید وصیت دوم صحیح است.

#### فصل سوم: در موصی به

ماده ۸۴۰ - وصیت به صرف مال در امر غیر مشروع باطل است.

ماده ۸۴۱ - موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر ولو با اجازه مالک باطل است.

ماده ۸۴۲ - ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت نمود.

ماده ۸۴۳ - وصیت به زیاده بر ثلث ترکه، نافذ نیست مگر به اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است.

ماده ۸۴۴ - هرگاه موصی به، مال معینی باشد آن مال تقویم می شود اگر قیمت آن بیش از ثلث ترکه باشد مازاد، مال ورثه است مگر اینکه اجازه کند.

ماده ۸۴۵ - میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات معین می شود نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت.

ماده ۸۴۶ - هرگاه موصی به منافع ملکی باشد دائماً یا در مدت معین بطریق ذیل از ثلث اخراج می شود: بدو عین ملک با منافع آن تقویم می شود سپس ملک مزبور با ملاحظه مسلوب المنفعه بودن در مدت وصیت تقویم شده تفاوت بین دو قیمت از ثلث حساب می شود. اگر موصی به منافع دائمی ملک بوده و بدین جهت عین ملک قیمتی نداشته باشد قیمت ملک با ملاحظه منافع از ثلث محسوب می شود.

ماده ۸۴۷ - اگر موصی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر اینکه در وصیت طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۸۴۸ - اگر موصی به جزء مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث، موصی له با ورثه در همان مقدار از ترکه مشاعاً شریک خواهد بود.

ماده ۸۴۹ - اگر موصی زیاده بر ثلث را به ترتیب معینی وصیت به اموری کرده باشد و ورثه زیاده بر ثلث را اجازه نکنند به همان ترتیبی که وصیت کرده است از ترکه خارج می شود تا میزان ثلث و زاید بر ثلث باطل خواهد شد و اگر وصیت به تمام یکدفعه باشد زیاده از همه کسر می شود.

#### فصل چهارم: در موصی له

ماده ۸۵۰ - موصی له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است.

ماده ۸۵۱ - وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود.

ماده ۸۵۲ - اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی به به ورثه او میرسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد.

ماده ۸۵۳ - اگر موصی لهم متعدد و محصور باشند موصی به بین آنها بالسویه تقسیم می شود مگر اینکه موصی طور دیگر مقرر داشته باشد.

#### فصل پنجم: در وصی

ماده ۸۵۴ - موصی می تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، در صورت تعدد، اوصیاء باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند مگر در صورت تصریح به استقلال هر یک.

ماده ۸۵۵ - موصی می تواند چند نفر را به نحو ترتیب، وصی معین کند به این طریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد و اگر دومی فوت کرد سومی باشد و هکذا.

ماده ۸۵۶ - صغیر رami توان به اتفاق یک نفر کبیر وصی قرار داد. در این صورت اجراء وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر.

ماده ۸۵۷ - موصی می تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود اختیارات ناظر به طریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود.

ماده ۸۵۸ - وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی شود مگر در صورت تعدی و تفریط.

ماده ۸۵۹ - وصی باید بر طبق وصایای موصی رفتار کند والا ضامن و منعزل است.

ماده ۸۶۰ - غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصیّ معین کند.

## باب دوم: در ارث

### فصل اول: در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث

ماده ۸۶۱ - موجب ارث دو امر است: نسب و سبب.

ماده ۸۶۲ - اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱ - پدر و مادر و اولاد و اولادق اولاد.

۲ - اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.

۳ - اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

ماده ۸۶۳ - وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد.

ماده ۸۶۴ - از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد.

ماده ۸۶۵ - اگر در شخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود به جهت تمام آن موجبات ارث می‌برد مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد.

ماده ۸۶۶ - در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.

### فصل دوم: در تحقق ارث

ماده ۸۶۷ - ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند.

ماده ۸۶۸ - مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میّت تعلق گرفته.

ماده ۸۶۹ - حقوق و دیونی که به ترکه میّت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است:

۱ - قیمت کفن میّت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است؛

۲ - دیون و واجبات مالی متوفی؛

۳ - وصایای میّت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه آنها.

ماده ۸۷۰ - حقوق مزبوره در ماده قبل باید به ترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تأدیه شود و مابقی اگر باشد بین وراث تقسیم گردد.



ماده ۸۷۱ - هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.

ماده ۸۷۲ - اموال غائب مفقود الاثر تقسیم نمی‌شود مگر بعد از ثبوت فوت او یا انقضاء مدتی که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

ماده ۸۷۳ - اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچیک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند.

ماده ۸۷۴ - اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.

### فصل سوم: در شرایط و جمله از موانع ارث

ماده ۸۷۵ - شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حمله باشد در صوتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.

ماده ۸۷۶ - با شک در حیات، حین ولادت، حکم وراثت نمی‌شود.

ماده ۸۷۷ - در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه، امارات قانونی که برای اثبات نسب مقرر است رعایت خواهد شد.

ماده ۸۷۸ - هرگاه در حین موت مورث، حمله باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراثت دیگر می‌گردد تقسیم ارث بعمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچیک از سایر وراثت نباشد و آنها بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه هر یک از وراثت مراعات است تا حال حمل معلوم شود.

ماده ۸۷۹ - اگر بین وراثت، غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم شود در صورتی که محقق گردد قبل از مورث مرده است حصه او به سایر وراثت بر می‌گردد والا به خود او یا به ورثه او می‌رسد.

ماده ۸۸۰ - قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.

ماده ۸۸۱ - در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مکرر – کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۸۸۲ – بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و همچنین فرزندی که به سبب انکار او، لعان واقع شده، از پدر و پدر از او ارث نمی‌برد لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند.

ماده ۸۸۳ – هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.

ماده ۸۸۴ – ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.

ماده ۸۸۵ – اولاد و اقوام کسانی که به موجب ماده ۸۸۰ از ارث ممنوع می‌شوند محروم از ارث نمی‌باشند بنابراین اولاد کسی که پدر خود را کشته باشد از جد مقتول خود ارث می‌برد اگر وراثت نزدیکی باعث حرمان آنان نشود.

#### فصل چهارم: در حجب

ماده ۸۸۶ – حجب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم می‌شود:

ماده ۸۸۷ – حجب بر دو قسم است:

قسم اول آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌گردد مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی، از ارث محروم می‌شود یا برادر ابی که با بودن برادر ابویینی از ارث محروم می‌گردد؛  
قسم دوم آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌گردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج او اولاد باشد.

ماده ۸۸۸ – ضابطه حجب از اصل ارث، رعایت اقربیت به میت است بنابراین هر طبقه از وراثت، طبقه بعد را از ارث محروم می‌نماید مگر در مورد ماده ۹۳۶ و موردی که وارث دورتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می‌برند.

ماده ۸۸۹ - در بین وراث طبقه اولی ' اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد او هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هریک از ابوین متوفی که زنده باشد ارث می برند ولی در بین اولاد، اقرب به میت، ابعد را از ارث محروم می نماید.

ماده ۸۹۰ - در بین وراث طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهری نباشد اولاد اخوه، هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده با هر یک از اجداد متوفی که زنده باشد ارث می برند لیکن در بین اجداد یا اولاد اخوه اقرب به متوفی ابعد را از ارث محروم می کند.

مفاد این ماده در مورد وارث طبقه سوم نیز مجری می باشد.

ماده ۸۹۱ - وراث ذیل حجب از ارث ندارند:

پدر - مادر - پسر - دختر - زوج و زوجه.

ماده ۸۹۲ - حجب از بعض فرض، در موارد ذیل است:

الف - وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد: در این صورت ابوین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می شوند مگر در مورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابوین به عنوان قرابت یا رد بیش از یک سدس ببرد همچنین زوج از بردن بیش از یک ربع و زوجه از بردن بیش از یک ثمن محروم می شود.

ب - وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد: در این صورت مادر میت از بردن بیش از یک سدس محروم می شود مشروط بر اینکه:

اولاً - لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند؛

ثانیاً - پدر آنها زنده باشد؛

ثالثاً - از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل؛

رابعاً - ابوینی یا ابی تنها باشند.

### فصل پنجم: در فرض و صاحبان فرض

ماده ۸۹۳ - وراث بعضی به فرض، بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می برند.

ماده ۸۹۴ - صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است و صاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آنها معین نیست.

ماده ۸۹۵ - سهام معینه که فرض نامیده می شود عبارتست از: نصف، ربع، ثمن، دوثلث، ثلث و سدس ترکه.

ماده ۸۹۶ - اشخاصی که به فرض ارث می برند عبارتند: از مادر و زوج و زوجه.

ماده ۸۹۷ - اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند: از پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی.

ماده ۸۹۸ - وراثت دیگر به غیر از مذکورین در دو ماده فوق به قرابت ارث می‌برند.

ماده ۸۹۹ - فرض سه وارث نصف ترکه است:

۱ - شوهر در صورت نبودن اولاد برای متوفا اگرچه از شوهر دیگر باشد؛

۲ - دختر اگر فرزند منحصر باشد؛

۳ - خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتی که منحصر به فرد باشد.

ماده ۹۰۰ - فرض دو وارث ربع ترکه است:

۱ - شوهر در صورت فوت زن با داشتن اولاد؛

۲ - زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد.

ماده ۹۰۱ - ثمن، فریضة زوجه یا زوجه‌هاست در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد.

ماده ۹۰۲ - فرض دو وارث دو ثلث ترکه است:

۱ - دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور؛

۲ - دو خواهر و بیشتر ابوینی یا ابی تنها با نبودن برادر.

ماده ۹۰۳ - فرض دو وارث ثلث ترکه است:

۱ - مادر متوفی در صورتی که میت اولاد و اخوه نداشته باشد؛

۲ - کلاله امی در صورتی که بیش از یکی باشد.

ماده ۹۰۴ - فرض سه وارث سدس ترکه است: پدر و مادر و کلاله امی اگر تنها باشد.

ماده ۹۰۵ - از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را می‌برد و بقیه به صاحبان قرابت می‌رسد و اگر

صاحب قرابته در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد باقی به صاحب فرض رد می‌شود

مگر در مورد زوج و زوجه که به آنها رد نمی‌شود لیکن اگر برای متوفی وارثی به غیر از زوج نباشد زائد

از فریضة به او رد می‌شود.

## فصل ششم: در سهم الارث طبقات مختلفه وراث

### مبحث اول: در سهم الارث طبقه اولی

ماده ۹۰۶ - اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشد موجود نباشد هر یک از ابوین در

صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو

ثلث می‌برد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.



ماده ۹۰۷ - اگر متوفی ابویین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود:

اگر فرزند، منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می‌رسد.

اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر، یا تمام دختر، ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد.

ماده ۹۰۸ - هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین او موجود باشد بایک دختر فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی بین تمام وراثت به نسبت فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت مادر از مابقی چیزی نمی‌برد.

ماده ۹۰۹ - هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین او موجود باشند با چند دختر، فرض تمام دخترها دو ثلث ترکه خواهد بود که بالسویه بین آنها تقسیم می‌شود و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آنها تقسیم می‌شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد در این صورت مادر از باقی چیزی نمی‌برد.

ماده ۹۱۰ - هرگاه میّت اولاد داشته باشد گر چه یک نفر، اولاد اولاد او ارث نمی‌برند.

ماده ۹۱۱ - هرگاه میّت اولاد بلا واسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جزو وراثت طبقه اول محسوب و با هر یک از ابویین که زنده باشد ارث می‌برد. تقسیم ارث بین اولاد اولاد بر حسب نسل بعمل می‌آید: یعنی هر نسل حصه کسی را می‌برد که به توسط او به میّت می‌رسد بنابراین اولاد پسر دو برابر اولاد دختر می‌برند.

در تقسیم بین افراد یک نسل پسر دو برابر دختر می‌برد.

ماده ۹۱۲ - اولاد اولاد تا هر چه که پایین بروند به طریق مذکور در ماده فوق ارث می‌برند با رعایت اینکه اقرب به میّت ابعد را محروم می‌کند.

ماده ۹۱۳ - در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است: از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میّت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میّت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراثت تقسیم می‌شود.

ماده ۹۱۴ - اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض، ترکه میّت کفایت نصیب تمام آنها را نکند

نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادتى باشد و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می‌شود لیکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادتى چیزی نمی‌برد.

ماده ۹۱۵ - انگشتی که میّت معمولاً استعمال می کرده و همچنین قرآن و رختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می رسد بدون اینکه از حصّه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میّت منحصر به این اموال نباشد.

### مبحث دوم: در سهم الارث طبقه دوم

ماده ۹۱۶ - هرگاه برای میّت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث طبقه ثانیه می رسد.

ماده ۹۱۷ - هر یک از وراثت طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را می برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم می شود.

ماده ۹۱۸ - اگر میّت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمی برند در صورت نبودن اخوه ابوینی اخوه ابی حصّه ارث آنها را می برند. اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ کدام اخوه امی را از ارث محروم نمی کنند.

ماده ۹۱۹ - اگر وراثت میّت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا

چند خواهر ابوینی یا چند خواهر ابی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود.

ماده ۹۲۰ - اگر وراثت میّت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی باشند حصّه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۲۱ - اگر وراثت چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود.

ماده ۹۲۲ - هرگاه اخوه ابوینی و اخوه امی با هم باشند تقسیم به طریق ذیل می شود:

اگر برادر یا خواهر امی یکی باشد سدس ترکه را می برد و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که به طریق مذکور در فوق تقسیم می نمایند. اگر کلاله امی متعدد باشد ثلث ترکه به آنها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم می کنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم می نمایند.

ماده ۹۲۳ - هرگاه ورثه اجداد یا جدات باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می شود:

اگر جد یا جدّه تنها باشد اعم از ابی یا امی تمام ترکه به او تعلق می گیرد.

اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتی که ابی باشند ذکور دو برابر اناث می برد و اگر همه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم می گردد.

اگر جد یا جدّه ابی و جد یا جدّه امی با هم باشند ثلث ترکه به جد یا جدّه امی می رسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین آنها بالسویه تقسیم می شود و دو ثلث دیگر به جد یا جدّه ابی می رسد و در صورت تعدد، حصّه ذکور از آن دو ثلث دو برابر حصّه اناث خواهد بود.

ماده ۹۲۴ - هرگاه میّت اجداد و کلاله با هم داشته باشد دو ثلث ترکه به وراثی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصّه ذکور دو برابر اناث خواهد بود و یک ثلث به وراثی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امی باشد فقط سددس ترکه به او تعلق خواهد گرفت.

ماده ۹۲۵ - در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میّت نه برادر باشد و نه خواهر، اولاد اخوه قائم مقام آنها شده و با اجداد ارث می‌برند در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه بر حسب نسل به عمل می‌آید: یعنی هر نسل حصه کسی را می‌برد که به واسطه او به میّت می‌رسد بنابراین اولاد اخوه ابوینی یا ابی حصّه اخوه ابوینی یا ابی تنها و اولاد کلاله امی حصه کلاله امی را می‌برند. در تقسیم بین افراد یک نسل اگر اولاد اخوه ابوینی یا ابی تنها باشند ذکور دو برابر اناث می‌برد و اگر از کلاله امی باشند بالسویه تقسیم می‌کنند.

ماده ۹۲۶ - در صورت اجتماع کلاله ابوینی و ابی و امی، کلاله ابی ارث نمی‌برد.

ماده ۹۲۷ - در تمام مواد مذکور در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقریبین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند. هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بر کلاله ابوینی یا ابی یا بر اجداد ابی وارد می‌شود.

#### مبحث سوم: در سهم الارث وراث طبقه سوم

ماده ۹۲۸ - هرگاه برای میّت وراث طبقه دوم نباشد ترکه او به وراث طبقه سوم می‌رسد.

ماده ۹۲۹ - هر یک از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم می‌شود.

ماده ۹۳۰ - اگر میّت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد اعمام یا احوال ابی ارث نمی‌برند در صورت نبودن اعمام یا احوال ابوینی اعمام یا احوال ابی حصّه آنها را می‌برند.

ماده ۹۳۱ - هرگاه وراث متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمّه باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود در صورتی که همه آنها ابوینی یا همه ابی یا همه امی باشند.

هرگاه عمو و عمّه با هم باشند در صورتی که همه امی باشند ترکه را بالسویه تقسیم می‌نمایند و در صورتی که همه ابوینی یا ابی باشند حصّه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۳۲ - در صورتی که اعمام امی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشند عم یا عمّه امی اگر تنها باشند سددس ترکه به او تعلق می‌گیرد و اگر متعدد باشند ثلث ترکه و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا ابی می‌رسد که در تقسیم، ذکور دو برابر اناث می‌برد.

ماده ۹۳۳ - هرگاه وراثت متوفی چند نفر دایی یا چند نفر خاله یا چند نفر دایی و چند نفر خاله با هم باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود خواه همه ابوینی خواه همه ابی و خواه همه امی باشند.

ماده ۹۳۴ - اگر وراثت میت دایی و خاله ابی یا ابوینی با دایی و خاله امی باشند طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگر متعدد باشند ثلث آن را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و مابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا ابی است که آنها هم بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند.

ماده ۹۳۵ - اگر برای میت یک یا چند نفر اعمام با یک یا چند نفر احوال باشد ثلث ترکه به احوال و دو ثلث آن به اعمام تعلق می‌گیرد.

تقسیم ثلث بین احوال بالسویه بعمل می‌آید لیکن اگر بین احوال یک نفر امی باشد سدس حصه احوال به او می‌رسد و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه به آنها داده می‌شود و در صورت اخیر تقسیم بین آنها بالسویه بعمل می‌آید.

در تقسیم دو ثلث بین اعمام حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود لیکن اگر بین اعمام یک نفر امی باشد سدس حصه اعمام به او می‌رسد و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه به آنها می‌رسد و در صورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم می‌کنند.

در تقسیم پنج سدس و یا دو ثلث که از حصه اعمام باقی می‌ماند بین اعمام ابوینی یا ابی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۳۶ - با وجود اعمام یا احوال، اولاد آنها ارث نمی‌برند مگر در صورت انحصار وارث به یک پسرعموی ابوینی یا یک عموی ابی تنها که فقط در این صورت پسرعمو، عمو را از ارث محروم می‌کند لیکن اگر با پسرعموی ابوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعدد باشند ولو ابی تنها، پسرعمو ارث نمی‌برد.

ماده ۹۳۷ - هرگاه برای میت نه اعمام باشد و نه احوال اولاد آنها به جای آنها ارث می‌برند و نصیب هر نسل نصیب کسی خواهد بود که به واسطه او به میت متصل می‌شود.

ماده ۹۳۸ - در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است: از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقرب به مادر هم نصیب خود را از اصل ترکه می‌برد باقی ترکه مال متقرب به پدر است و اگر نقصی هم باشد بر متقربین به پدر وارد می‌شود.

ماده ۹۳۹ - در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خنثی بوده و از جمله وراثتی باشد که ذکور آنها دو برابر اناث می‌برند سهم الارث او به طریق ذیل معین می‌شود:



اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم اناثیت غلبه داشته باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می برد و اگر هیچ یک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد.

#### مبحث چهارم: در میراث زوج و زوجه

ماده ۹۴۰ - زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می برند.

ماده ۹۴۱ - سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که در مواد ۹۱۳ - ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است.

ماده ۹۴۲ - در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می شود.

ماده ۹۴۳ - اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث می برد لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی برند.

ماده ۹۴۴ - اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می برد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

ماده ۹۴۵ - اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی برد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث می برد.

ماده ۹۴۶ - زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱ - از اموال منقول از هر قبیل که باشد؛

۲ - از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷ - زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می گردد.

لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.



- ماده ۹۵۰ - مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است معذالک تشخیص این معنی با عرف می باشد.
- ماده ۹۵۱ - تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری.
- ماده ۹۵۲ - تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.
- ماده ۹۵۳ - تقصیر اعم است از تفریط و تعدی.
- ماده ۹۵۴ - کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می شود و همچنین به سفه در مواردی که رشد معتبر است.
- ماده ۹۵۵ - مقررات این قانون در مورد کلیه اموری که قبل از این قانون واقع شده معتبر است

